

## ستایش

واژه‌های املایی، طلعت، زینت ده، عنوان، اندر،  
 زبان، پوزش، خطاب‌بخش، امر، مرغ و مگس، تاج  
 بخت، متفق، الهیت، کنه، ماهیت، بصر، منتها، تأمل،  
 آینه، صفا، تدریج، حاصل، محال، مصطفی، سعدی  
 هم خانواده‌ها: طلعت (طلوع، مطلع)، زینت (مزین،  
 تزین)، خطا (خاطی، خطیه)، امر (اوامر، امور) متفق  
 (اتفاق، توافق)، بصر (بصیر، مبصر)، صفا (صاف،  
 مصفا)، حاصل (حصول، محصل)، عنوان (عناوین)  
 منتها (انتها)، سعدی (مسعود، سعادت)، ستایش  
 (ستودن، می‌ستاید)

واژه‌های هم آوا: تأمل (اندیشیدن)، تعمّل (کار  
 کردن) امر (دستور)، عمّر (ساختن)  
 واژه‌های متشابه:

ده (عطا کن)، ده (روستا) / روی (چهره)، روی (نام)  
 فلز / دیوان (کتاب شعر)، دیوان (دیوها)

نکات املائی: در املا، واژه هایی که هم ریشه باشند، هم خانواده گفته می شود؛ هم خانواده های فارسی دارای بن ماضی و مضارع مشترک هستند، مانند آفرید، آفریده، آفریدگار.

هم خانواده های عربی که مهم ترین واژه های املائی فارسی هستند، دارای سه حرف اصلی مشترک هستند که در آن ها سه حرف به ترتیب آمده و دارای تناسب معنایی باشند مانند طلعت، طلوع و مطلع که دارای سه حرف اصلی «ط. ل. ع» می باشند.

هم آوا به واژه هایی گفته می شود که دارای تلفظ یکسان و املا و معنا و کاربرد متفاوت باشند مانند صواب (درست) و ثواب (اجر)

متشابه به واژه هایی گفته می شود که دارای تلفظ و املا یکسان و معنا و کاربرد متفاوت باشند مانند روی (چهره) و روی (نام فلز)

## درس اول

نکات املائی: در فارسی، واژه‌های عربی رایج در فارسی که دارای یکی از حروف شش گروه املائی باشند ارزش املائی خواهد داشت.

شش گروه املائی عبارتند از: (ز، ذ، ض، ظ)، (س)، (ث، ص)، (ت، ط)، (ه، ح)، (غ، ق)، (همزه، ع)  
صدای /ز/ به جهت آن که به چهار صورت «ز، ذ، ض، ظ» نوشته می‌شود، مهم‌ترین حرف املائی است.  
واژه‌هایی که «ه» غیرملفوظ دارند، وقتی صدای «ه» یا «ی» بگیرند، یک حرف «الف» به آن‌ها اضافه می‌شود:  
خانه + م = خانه ام

واژه‌های املائی: قصر، قصه، عاج، غرور، برق، عد، طنین، طوفان، نعره توفنده، حضور، زیبا، نیت، دعا، وحشت، خاطر، ذهن، تصویر، قصه، لحظه، کینه، عادت، قیصر، امین، غلام، صحرا، انبوه، سراغ، هرگز  
واژه‌های هم آوا: طوفان (باد و باران تند)،

توفان (حمله کننده)

واژه‌های متشابه: قصر (کاخ)، قصر (شکستن و کوتاهی)

هم خانواده‌ها: قصر (قصور)، قصّه (قصص)، غرور (مغرور، غرّه)، توفنده (توفان، توفیدن)، دعا (ادعیه) حضور (حاضر، محضر)، زیبا (زیبنده، زیب)، وحشت (موحش)، خاطر (خواطر، خطوط)، ذهن (اذهان)، قصد (مقصد، مقاصد)، لحظه (لظات)، امین (امانت، امانا)، عادت (عادی)

## درس دوم

نکات املائی: فاصله‌ای که میان حروف دو واژه وجود دارد و نشان دهنده استقلال واژه هاست. فاصله‌ی میان واژه‌ای گفته می‌شود و عدم رعایت آن باعث ابهام در خواندن می‌شود.

حروف یک واژه یا به هم می‌چسبند (مانند کمک) و یا با فاصله اندک کنار هم می‌آیند (مانند روز)

به این فاصله، فاصلهٔ میان حرفی گفته می‌شود.

صدای /ت/ به دو صورت «ت و ط» نوشته می‌شود.

صدای /س/ به سه صورت «ث، ص، س» نوشته می‌شود.

صدای /ق/ به دو صورت «ق، غ» نوشته می‌شود.

واژه‌های املائی: اندیشه، راز، آفریننده، خالق، اسرار، حکیمانه، حرکت، خواب، چراغ، جست و جو، اصلی، نازک، چسبیده اند، حدقه، حواس، قدرت، دفع، حتی، متحد، کشتزار، جثه، عظمت، خلقت، لانه، طاووس، تشبیه، خزان، دقت، جلوه، فراز، نهج البلاغه، خطبه، صورتگر، ماهر، عقل، نژند، نغز، تماثل، شوق، هجر، زار، بدین سان، تقلید، غیر، قآنی، صفحه‌ی هستی، ذرات، عزیز، طراوت، اندوه، سنجاقک، نجات، راضی، بقیه، حاصل، حشره، طعم، بوته‌ها، اندوه، رطوبت، دلپذیر، تعجب.

واژه‌های هم‌آوا: نغز (دلکش)، نقض (باطل و فسخ)

خورد (بلعید)، خرد (کوچک)

متشابه: زار (نالان)، زار (پسوند واژه)

هم خانواده‌ها: اندیشه (اندیشیدن، می‌اندیشد)،

آفریننده (آفرینش، می‌آفریند)، خالق (خلق، مخلوق)،

حواس (حس) اسرار (سر، سرائر)، حکیمانه

(حکمت)، حرکت (تحریک، متحرک)، قدرت (قادر،

مقدر)، دفع (دافع، دفاع)، متحد (اتحاد، وحدت)،

عظمت (عظیم، اعظم)، خلقت (خالق، خلق)، تشبیه

(مشابه، شبیه)، دقت (دقیق، دقایق)، خطبه (مخاطب،

خطاب)، ماهر (مهارت، ماهر)، عقل (عاقل، عقول)،

تماثل (مثال، مثل)، شوق (اشتیاق، مشتاق) هجر

(مهاجر، هجرت)، تقلید (مقلد)، غیر (مغایر، غیره)،

عزیز (عزت)، نجات (منجی)، راضی (رضایت،

مرتضی)، حاصل (محصول، حصول) رطوبت

(مرطوب)، تعجب (عجب، عجیب)، طعم (طعام،

اطعمه)، بقیه (باقی، بقا)

## درس سوم

نکات املائی: اگر به واژه هایی که در آخر آنها «ه» غیر ملفوظ «وجود دارد، پسوند «ان/ی» اضافه شود، «ه» غیر ملفوظ «به «گ» تبدیل می شود: راننده ← رانندگی، رانندگان

نشانه جمع اصلی فارسی «ها» می باشد، بعضی از واژه -ها، علاوه بر «ها»، نشانه جمع «ان» نیز می پذیرند.

واژه های املائی: هوشمند، کهن، فروغ، فرهیختگی، فرزاندگی، سپند، ارجمند، ارمغان، تیره رأی، خامه، آرایش، پلشتی، جز، ستایش، همگنان، تبار، نستوه، ستبر، دریغ، بگزار، گزند، خاستگاه، ظفرمند.

واژه های هم آوا: بگزار (به جا آور)، بگذار (قرار بده) خاست (بلند شد)، خواست (طلبید)

واژه های متشابه: دوش (دیشب)، دوش (کتف) خامه (قلم)، خامه (فراورده ی شیر)

هم خانواده ها: آرایش (آلاینده، آلوده)،

ستایش (ستودن، می ستاید)، بگزار (گزاردن)، خاست  
(می خیزد، خزیدن) ظفر (مظفر، ظفار).

## درس چهارم

نکات املائی: اعداد در متن املا، همیشه با حروف  
نوشته می شوند.

واژه هایی مثل: حس، مهم، ضد و ... وقتی تشدید  
می گیرند که کلمه یا پسوندی به آنها اضافه شود.

واژه های املائی: حکیم، افسوس، عبارت، وضع،  
الان، حتماً، فرصت، ثانیه، مسخره، گذر، تصوّر،  
نصیب، احترام، اعتبار، عاطفه، اصول، دائم، ابزار،  
مذهبی، جماعت، آراسته، مشقت، مؤثر، سنجیده،  
موقعیت ها، تدبیر، مهار، عشق، خلاق، هیجانات، نظیر،  
غروب، رسوب، بغض، عده ای، ظهر

واژه های هم آوا: نظیر (مانند)، نذیر (هشدار دهنده)  
نصیب (بهره)، نسیب (نسبت داده شده)

واژه های متشابه: ظهر (میانه روز)، ظهر (پشت)



غروب (افول خورشید)، غروب (غرب ها)

هم خانواده‌ها: حکیم (حکما، حکمت)، عبارت

(تعبیر، اعتبار)، وضع (اوضاع، موضع)، مسخره

(تمسخر، سخره)، گذر (می گذرد، گذرنده)، تصوّر

(صورت، متصوّر)، نصیب (نصب، منصوب)، احترام

(محترم، حرمت) عاطفه (عواطف، عطف)، اصول

(اصل، اصیل)، دائم (مدام)، مذهبی (ذهب، مذاهب)،

جماعت (جمع، مجمع، آراسته (آرایش، می آراید)،

مؤثر (اثر، تأثیر)، سنجیده (سنجش، می سنجد)،

موقعیت (مواقع، موقع)، تدبیر (مدبّر)، هیجانات

(مهیج، تهیج)، نظیر (ناظر، منظور)، غروب (مغرب،

غرب)، عدّه (عدد، معدود)، ظهر (ظاهر، مظهر، خلاق

(خلق، مخلوق)، عشق (عاشق، معشوق)، نظیر (ناظر،

منظور).

## درس پنجم

نکات املائی: «جزء» به معنای «بخشی از کل»

چیزی» است. در حالی که «جز» به معنای «مگر، غیر و الا» می‌باشد. در املائی فارسی، اصل بر آن است که شکل نوشتاری با شکل گفتاری یکسان باشد اما در بعضی از مواقع چنین حالتی رخ نمی‌دهد از جمله در واژه‌های دارای «غیرملفوظ»، «واو معدوله»، «تنوین» و «واو» که نوشته می‌شود و خوانده نمی‌شود. «واو معدوله» نامیده می‌شود مانند: خواب، خواهش و خواندن و ...

واژه‌های املائی: خواندن، تلفظ، بازخوانی،

خوانش، رعایت، مؤثر، طی، تناسب، خصوصیت،

حماسی، پهلوانی، خاکساری، محتوا، اندرز، لحن،

آهنگ، نصیحت، حالت، مخاطب، سعادت، سحرخیز،

خود، پرهیز، خویش، خرسند، تیز، زندهار، راست،

ضرر، جامه، تأمل، افزوده

هم آوا: خویش (خود)، خیش (وسیله شخم)

طی (پیچاندن، گذرداندن)، تی (وسیله نطافت)

متشابه: خویش (خود)، خویش (فامیل) -

تمیز (پاک)، تمیز (تشخیص) - راست (درست)، راست

(سمت راست) - آهنگ (صدا)، آهنگ (قصد)

هم خانواده‌ها: خواندن (خوانش، می‌خواند)، تلفظ

(الفاظ، ملفوظ)، تناسب (نسبت، منسوب)، لحن (الحان)،

حالت (احوال، حال)، محتوا (حاوی)، پرهیز (پرهیزیدن)،

تمیز (ممیز)، ضرر (مضّر)، افزود (افزایش، می‌افزاید).

### درس ششم

نکات املائی: از جمله نشانه‌های واژگان در املائی

فارسی «مد» ( ~ ) می‌باشد؛ در حالتی که به کار بردن

مد باعث ابهام شود، استفاده از آن ضروری است

(قرآن، مال، ...) و اگر به واژه‌ای که در ابتدای آن

«مد» وجود دارد، پیشوندی اضافه شود، «مد» حذف

می‌شود. (هم + آیش ← همایش)

واژه‌های املائی: بغداد، عارفان، احوال، پهلوان، ارشاد، طعام، لقمه، برخاست، عرض، مستعان، موقع، می‌خواهی، آداب، خوابیدن، حضرت، بهر، معترف، فرع، حلال، حرام، سکوت، بغض، حسد، ذکر، دستاورد، استعداد، اسطرلاب، چرتکه، تسلط، فناوری، اجتماعی، هنجار، داد و ستد، اعتقاد، حریم، متناسب، حصار، فضا، هویت، شکوه، رهاورد، مظاهر، منظره، ذهن، متعالی، غفلت، اسارت، هیاهو، غوغا، فضایل، جولاهه، اسرار، ابتدا.

واژه‌ها هم‌آوا: بهر (برای)، بحر (دریا)

عرض (گفتن)، ارض (زمین)، ارز (پول خارجی)

واژه‌های متشابه: عرض (گفتن)، عرض (پهنا)

هم‌خانواده‌ها: عارفان (عرفان، معرفت) - ارشاد

(مرشد، راشد) - عرض (معروض، عرضه) - ذهن

(اذهان) - مستمعان (سمع، سامع)،

موقع (واقع، مواقع) - حضرت (حاضر، محضر)،  
 معترف (اعتراف، معروف) - اسرار (سر) - سکوت  
 (ساکت، مسکت) - حسد (حسود، محسود) - ذکر  
 (ذاکر، تذکر)، استعداد (مستعد)، تسلط (سلسله،  
 مسلط) - اعتقاد (عقیده، معتقد)، حریم (حرمت،  
 احترام) - متناسب (نسبت، تناسب) - حصار (حصر،  
 محصور) - مظاهر (تظاهر، ظاهر) - منظره (نظاره،  
 نظر) - متعالی (عالی، علی) - غفلت (غافل، تغافل) -  
 اسارت (اسیر، اسرا) - فضایل (فضیلت، فاضل) ابتدا  
 (مبتدا، مبتدی)

### درس هفتم

نکات املائی: واژه هایی که به دو شکل به کار  
 می روند (مانند خورش، خورشت)، موقع نوشتن با توجه  
 به تلفظ نوشته می شوند. خاموش - خموش، از - ز  
 در شعر، بعضی از واژه ها به صورت کوتاه و  
 شکسته بیان می شوند: ما نیز به صورت شکسته و

کوتاه می‌نویسیم. «گزاردن» به معنی به جا آوردن است و با واژه‌هایی مانند شکر، نماز، روزه، سپاس و کار می‌آید در حالی که «گذرادن» و «گذاشتن» به معنای تعیین کردن و قراردادن می‌باشد.

هم آوا: خوار (پست)، خار (تیغ گل)

گزار (به جا آور)، گزار (قرار بده)

متشابه: دولت (ثروت و دارندگی)، دولت (هیئت

وزیران)

شام (شب، غذای شب)، شام (نام سرزمین)

واژه‌های املائی: دلق، پشته، فرازنده، نژند، نظر،

عزت، عطا، ثنا، مغرور، زین سان، خواری، چاشت،

خس، عکس، خاکریز، خمپاره انداز، براق، عید، پهن،

سماق و سمنو، قرآن، زمزمه، آغوش، مبارک، غلاف،

نصفه، بسیج، تعجب، شبیه، شطرنج، نقاشی، اطراف،

جبهه، آویخته، عز.

هم خانواده‌ها: عز (عزیز، عزت)،

عطا (معطی)، مغرور (غرور)، آویخته (آویزان)،  
 می آویزد، اطراف (طرف) نقاشی (نقش، منقش)،  
 شبیه (شبهت، مشابه)، تعجب (عجیب، عجایب)،  
 نصفه (منصف، انصاف) مبارک (برکت، تبریک)،  
 قرآن (قرائت، قاری)، عید (عیادت، اعیاد)، برق  
 (برق)، عکس (معکوس، انعکاس)

درس هشتم

نکات املائی: برای همزه، اعراب کسره ( ) به کار  
 نمی بریم. رأی ← رأی  
 اگر به واژه‌ای که در آخر آن همزه وجود دارد،  
 واژه‌ای اضافه شود نشانه‌ی « » به عنوان نقش نمای  
 اضافه اضافه می کنیم.

نکات املائی: شیء + نورانی ← شیء نورانی  
 واژه‌های املائی: توانا، طور، باعث، حفظ اشعار و  
 مطالب، قائم مقام، قصیده، غزل، مکث، حلاوت،  
 ساقی، شاهد، ارادت، لهجه‌ی خاصی، فوق‌العاده، ۱۵

فلسفه، بی نظیر، سرشار، کلاغ، ذهن، لرزیدن، قلک،  
 شربت، تعارف، اتفاقاً، ثابت، اجازه، زکریای رازی،  
 تأسف، انیس، مونس، غلط، خواجه، حافظ، هلهله،  
 صدراعظم، منشأ، هزاوه، ذکاوت، اطلاع، آبله، شیوع،  
 جهل، قضا، رسا، مسئول

🔗 واژه‌های هم‌آوا: رسا (رسنده، بلند)، رثا (سوگ)  
 قضا (تقدیر، سرنوشت، قضاوت)، غزا (جنگ)، غذا  
 (خوردنی)

🔗 هم‌خانواده‌ها: توانا (توانستن، می‌تواند)، باعث  
 (بعثت، مبعث)، اشعار (شعر، شعرا)، مطالب (طلب،  
 مطلب) قائم (قیام، اقامه)، قصیده (قصد، مقصد)، غزل  
 (تغزل)، ساقی (سقا)، شاهد (مشهد، شهادت)، ارادت  
 (مرید، اراده)، اذهان (ذهن)، لرزیدن (لرزه، لرزش)،  
 شربت (شرب، شراب)، ثابت (ثبت، مثبت) اجازه  
 (مجاز، مجوز)، تأسف (اسف، متأسف)، انیس (انس،  
 مونس)، غلط (اغلاط، مغلوط)،



حافظ (حفظ، محفوظ) منشأ (انشاء، منشی)، ذکاوت (ذکی)، اطلاع (مطلع)، شیوع (شایع)، جهل (جاهل)، جهالت، رسا (رسیدن، رسنده)

### درس نهم

نکات املائی: گاهی در تلفظ، بعضی از حروف با شکل نوشتاری آنها تفاوت به وجود می‌آید که اصل شکل املائی آنها می‌باشد.

کون ← م (پنبه، سنبل)، ج ← ش (اجتماع، مجتهد)، د ← ت (بدتر، شدیدتر)، ب ← پ (شب پره)

واژه‌های املائی: عارفان، حارث، معطر، رهگذر، امان، حرمت، مقاومت، کمال الدین، بهزاد، غار، سقف، می‌لغزید، فضا، اوج، هدهد، حیف، طایر، سردار، زمزمه، سحرآمیز، طیب، استعمار، فتوا، استعمال، حکم، محاربه، قلیان، توطئه

واژه‌های هم‌آواز: صبا (باد خنک شرقی)، سبا (نام سرزمینی) / حارس (نگهبان)، حارث (نام عربی)

واژه‌های متشابه: روزی (یک روز)، روزی  
(قسمت الهی)

امان (ایمن)، امان (پایتخت اردن)

هم خانواده ها: عارف (عرفان، معرفت)، معطر  
(عطر)، امان (ایمن، امانت)، حرمت (حریم، محرم)،  
مقاومت (قوام، قیام)، سقف (مسقف)، می‌لغزید  
(لغزش، لغزنده)، طایر (طیر، طیور)، سحر (ساحر)،  
سحار، طیب (طب، مطب)، استعمار (عمران، تعمیر)،  
فتوا (فتاوا، مفتی، استفتا)، محاربه (حرب، حربه)

درس دهم

نکات املائی: خط فارسی از پرنقطه ترین خطوط  
دنیاست؛ رعایت نقطه به ویژه در مواردی که باعث  
تغییر در معنا می‌شود اهمیت املائی دارد. بنی  
(فرزند)، نبی (پیامبر) / عرصه (میدان)، عرضه (دادن)

واژه‌های املائی: گزند، استوار، میهن، گستاخی،  
تحمیلی، نفوذناپذیر، سدّی، هجوم، حامیان،

صدّام، تبدیل، ایام، سرافراز، مؤمن، حماسه، همّت،  
 تخصّص، مایه، قُلل، عرصه، مأوا، اهریمن، مظلوم،  
 شمایل، فروتن، خوف، متواضع، مؤدب، صبور،  
 غایت، جرأت، مجمع الجزایر، مواج، عاطفه، خشونت،  
 وسعت، طیس

هم آوا: سد (مانع)، صد (عدد ریاضی)

هم خانواده‌ها: تحمیلی (حمل، حامل)، نفوذ (نافذ،  
 منفذ)، سد (سدید، مسد)، هجوم (مهاجم، تهاجم)،  
 حامی (حمایت)، تبدیل (مبدل، بدل)، ایام (یوم)،  
 مؤمن (ایمان)، همّت (اهتمام)، تخصّص (متخصّص،  
 خصوص)، قلل (قله)، خوف (خائف)، مظلوم (ظلم،  
 ظالم)، متواضع (تواضع، وضع)، مؤدب (دیب، ادب)،  
 بور (صبر، صابر)، غایت (غایی)، مواج (موج، تموج)،  
 عاطفه (عطف، عواطف)، خشونت (خشن)، وسعت  
 (وسع، وسیع)

## درس یازدهم

نکات املائی: برخی از واژه‌ها در زبان فارسی به دو شکل نوشته و خوانده می‌شوند که هنگام نوشتن باید به تلفظ آن‌ها توجه کرد: (هوشیار، هشیار)، (نردبام، نردبان)، (خورش، خورشت)

واژه‌های املائی: اخلاص، منزّه، دغل، غزا، خدو، کاهلی، حیران، عفو، رحم، تیغ، مأمور، هوا، شهوت، آز، سزا، آستین، عقیدت، خز، حاجت، ان شاء الله، طرّاری، حیلّت، واقف، خجل، موضع، فایده.

هم آوا: غزا (جنگ)، غذا (خوردنی)، قضا (تقدیر و قضاوت)

مأمور (امر شده)، معمور (آباد)

متشابه: ولی (صاحب ولایت)، ولی (امّا) اتّفاق (حادثه)، اتّفاق (متّحد بودن)

هوا (نفسانیات)، هوا (گاز تنفسی)

منزّه (نزّه، تنزیه)، کاهل (کھولت)، عفو (استعفا)،

رحم (رحمان، رحیم)، مأمور (امر، آمر)،

هم خانواده‌ها: عقیدت (عقاید)، حاجت (احتیاج)،

محتاج، واقف (وقوف)، خجل (خجالت)، موضع

(مواضع، وضع)، فایده (فواید، مفید)

### درس دوازدهم

نکات املائی: واژه هایی که در آخر آن‌ها «ا» و

«او» باشد، در حالت اضافه به «ی میانجی» نیاز دارند:

خدا + مهربان = خدای مهربان   آهو + زیبا =

آهوی زیبا

علاوه بر «ی»، حروف دیگری نیز به عنوان میانجی

استفاده می‌شوند که عبارتند از:

گگ: آزاده + ان = آزادگان

کک: پله + ان = پلکان

جج: ترشی + ات = ترشیجات

واو: آهو + ان = آهوان

همزه (الف میانجی): برنامه + ی = برنامه ای

📖 واژه‌های املایی: معاصر، جلوه ای، نظام، شاهنشاهی، آغاز، سرانجام، شورانگیز، انقلاب، برجسته، محور، اصل ولایت فقیه، وحدت و عامل، توحید، بنیان گذار، فرزانه، تکیه، تعالیم، استقلال، عنوان، اعلام، ارزش، بهره گیری، زایا، استوار، ابزار، عوامل، انسجام، اقوام، ادبیات، نظم و نثر، مثنوی معنوی، اصولاً، واقعه، ایثار، تعهد، ستم ستیزی، عدالت، فضیلت، محتوا، آرمان.

📖 هم آوا: نثر (نوشته‌ی ادبی)، نصر (کمک و پیروزی)

اساس (ستون)، اثاث (اسباب منزل)

📖 هم خانواده‌ها: معاصر (عصر، اعصار)، جلوه (تجلی، جلا)، انقلاب (منقلب، قلب)، اصل (اصول) فقیه (فقه، فقاہت)، ولایت (ولی، متولی)، وحدت (واحد، موحد، توحید)، عامل (عوامل، عمل)

زایا (زاینده، می‌زاید)، انسجام (منسجم)، اقوام (قوم)،  
نظم (ناظم، منظوم)، نثر (منثور)، مثنوی (مثنی، تشبیه)  
معنوی (معنا، معنی)، واقعه (وقوع)، تعهد (عهد،  
معاهده)، عدالت (عادل، عدل)، فضیلت (فضایل،  
فضل) محتوا (حاوی)، ادبیات (مؤدب، تأدیب)

### درس سیزدهم

نکات املائی: دو حرف «ک» و «گ» در عین  
شبهت، دارای املا و تلفظ متفاوت هستند و رعایت  
سرکج آنها ضروری است.

گاهی در شعر و بعضی از متون ادبی، واژه‌ها به  
صورت کوتاه شده به کار می‌روند که باید به همان  
صورت تلفظ شده نوشته شوند: افتد و فتد

واژه‌های املائی: تف، خسرو، غرقه‌ی بحر، نسل  
حیدر، اصغر، شط، کوثر، عباس، فرات، صف محشر،  
ورق، رقم، خاطرات، شوق، اصل و نسب، مخوف،  
رژیم، بعثی، روحیه، غالب، محدودیت، اکثر،

اسرا، کسل، مأمور، طبق معمول، مصمم، مضيقه،  
فرصت، فی المجلس، فضيلت، روزه، باغچه، هجتي،  
بالاخره، اسارت، حساسيت، تبعيد، صليب سرخ، قیافه،  
چاق، مؤدبانہ، بغل، مسلط، نابغه، تصرف، تغيير،  
حکایت

واژه‌های هم آوا: مأمور (امر شده)، معمور (آباد)  
بحر (دریا)، بهر (برای)

غالب (پیروز، برتری)، قالب (کالبد، چارچوب)،  
قالب (انواع شعر)

واژه‌های متشابه: کام (دهان)، کام (آرزو)، ردیف  
(ترتیب)، ردیف (اصطلاحی در شعر)، خامه (قلم)،  
خامه (محصولی از شیر)، دیده (چشم)، دیده (نگاه  
کرده)

هم خانواده ها: حکایت (حاکي)، تغيير (تغیر،  
متغیر)، تصرف (متصرف)، نابغه (نبوغ، نوابغ)، رق  
(اوراق، تورق)، مؤدبانہ (ادب، تأديب)،



مسأط (تسلط، سلطه)، صلیب (مصلوب)، اسارت  
 (اسیر، اسرا)، فضیلت (فضایل، فضل)، مضیقه (ضیق،  
 مضایقه)، مصمم (تصمیم)، مطمئن (اطمینان، طمأنینه)،  
 معمول (عمل، عامل)، طبق (مطابق)، کسل (کسالت)،  
 اکثر (کثرت، کثیر)، محدودیت (حدود، حد)،  
 مخوف (خوف، خائف)، شوق (مشوق، اشتیاق)، غرقه  
 (غرق، مغروق)، اصغر (صغیر، صغرا)، عباس (عبوس)،  
 صف (صفوف)، محشر (حشر)، بعثی (مبعث، بعثت)

درس چهاردهم

آزاد

درس پانزدهم

آزاد

درس شانزدهم

نکات املائی: افعالی که در ابتدای آنها «الف»  
 باشد، موقع اضافه شدن پیشوند «ب» الف از ابتدای  
 فعل حذف می‌شود و «ی میانجی» جایگزین می‌شود:

ب + افکند = یفکند

افعالی که در ابتدای آن‌ها «آ» باشد، موقع اضافه شدن پیشوند «ب»، «آ» به «الف» تبدیل می‌شود و «ی میانجی» نیز اضافه می‌شود: ب + آمد = بیامد

واژه‌های املائی: خیره، مشغل، بشارت، شهید، خیانت، مزدوری، غزه، حماسه، گستره، زیتون، مهیا، افق، قدس، فلسطین، فروغ، دوزخ، محمد، صیاد، بعثت، صعود، سدره المنتهی

واژه‌ی متشابه: خیره (نوعی نگاه)، خیره (بیهوده)

واژه‌ی هم آوا: فروغ (روشنی)، فروق (فرق‌ها)

صعود (بالا رفتن)، سعود (خوشبختی‌ها)

هم خانواده‌ها: مشعل (شعله)، بشارت (بشیر)

مبشر (شهید (شهادت، مشهد)، خیانت (خائن)، گستره

(گسترش، می‌گسترده) افق (آفاق)، قدس (مقدس،

تقدس)، صعود (صعد)، بعثت (مبعث)، صیاد (صید)،

محمد (حمد، تحمید)

## درس هفدهم

نکات املائی: تنوین یکی از نشانه‌های خطی زبان است که با صدای «ن ساکن» شنیده می‌شود. از سه صورت تنوین عربی، تنها تنوین نصب (ْ) در فارسی کاربرد دارد.

تنوین نصب بر روی «الف» ظاهر می‌شود. حتم +  
= حتماً

تنوین را تنها بر روی واژه‌های عربی می‌توان به کار برد و واژه‌های فارسی (مانند گاه، دوم و سوم) و غیرعربی (مانند تلفن، تلگراف) تنوین نمی‌گیرند.

نوشتن واژه‌های تنوین دار با حرف «ن» (حتمن، قطعن) نادرست است.

واژه‌های املائی: شکسپیر، زندگانی، مقصود، جزرومد، مسلماً، طوفان، غنیمت، غفلت، گذر، اعماق، اصلاً، فرط، غرور، تلف، صرفه جویی، مسرور، اهمیت، عجول، تأمل، تعلل، مرتب،

نشاط، اضطراب، منحرف، متانت، سلسله‌ی کائنات،  
صرف، نظام، خطا، ندامت، حسرت، ثمر، محال، اتاق،  
مرغابی، خیرالبشر، الهی، محرم، راز، قوت، پرستار،  
حادثه، دل انگیز، صمیمی، توصیف، تعطیلات، عین،  
تفریحی

📖 واژه‌های هم‌آوا: جزر (عقب رفتن آب)، جذر  
(عمل ریاضی)

طوفان (باد و باران)، توفان (توفنده)

تأمل (اندیشیده)، تعمّل (کار کردن)

ثمر (میوه و نتیجه)، سمر (داستان)

قو (پرنده‌ی آبی)، غو (پنبه و محصول)

📖 واژه متشابه: عین (برابر)، عین (چشم)

📖 هم خانواده ها: مقصود (قصد، قاصد)، مد

(تمدید)، غنیمت (غنایم، مغنم)، غفلت (غافل،

تغافل)، اعماق (عمیق، عمق)، فرط (افراط، تفریط)،

مسرور (سرور)، عجول (تعجیل، عجله)،

تعلّل (علت، علل) مرتّب (ترتیب)، اضطراب  
 (مضطرب)، منحرف (انحراف)، متانت (متین)، صرف  
 (مصرف)، ندامت (نادم)، حسرت (تحسّر)، ثمر (مثمر)،  
 مراقبت (مراقب)، حیرت (متحیّر)، خواهش (خواستار)،  
 خواهنده، ذکر (تذکر، متذکر) غفلت (غافل، تغافل)،  
 مرحمت (رحمت، رحمان)، شفیع (شفاعت، شافع)،  
 محرم (حرم، حریم)، قوّت (قوا، قوه) حادثه (حوادث،  
 حدوث)، توصیف (وصف، موصوف)، تعطیلات  
 (معطل، عطاله)، تفریحی (فرح، مفرّح)

### نکات املائی

صدای /هـ/ به دو شکل «هـ» و «ح» نوشته می‌شود.

صدای /ع/ به دو شکل «ع» و «همزه» نوشته می‌شود.

همزه در املائی فارسی، به صورت‌های «ا، آ، ئ،  
 ؤ، ء» نمایش داده می‌شود.

به غیر از همزه پایانی، در هیچ صورتی نباید از

کسره در کنار همزه استفاده کرد.

کسره در زیر «ء» نشانهٔ نقش نمای اضافه است و نه اعراب یا حرکت.

از اعراب ، ، تنها زمانی استفاده می‌کنیم که نبودن آن‌ها باعث اشکال یا ابهام شود: مُلک، مَلک، مِلک، مَلِک

در شیوهٔ نگارش، بعضی از واژه‌ها را می‌توان جدا و یا پیوسته نوشت (کتاب خانه / کتابخانه) اما جدانویسی واژه‌ها توصیه می‌شود خصوصاً در مورد نشانهٔ جمع «ها» (جوان ها)

«او و معدوله» به واوی گفته می‌شود که نوشته می‌شود اما تلفظ نمی‌شود (خواهر، خواهش)

«الف مقصوره» الف کوچکی است که بر «ی» پایانی واژه‌هایی چون مصطفیٰ و عیسیٰ می‌آید و صدای «ا» می‌دهد.

برای تشخیص املاي واژه از سه شیوه استفاده

می‌کنیم: ۱- دیدن و عادت چشم

۲- توجه به هم خانواده‌ها ۳- معنای واژه

همزه پایانی واژه‌هایی چون املاء و انشاء حذف می‌شود و در صورت اضافه گرفتن به «ی» تبدیل می‌شود.

واژه‌های عربی که به «ه یات» مؤنث ختم می‌شوند هنگام جمع بستن با «ات»، نشانه‌ی ت یا ة خود را از دست می‌دهند: آیه + ات = آیات ساعت + ات = ساعات

نشانه مصدری ه یات در عربی یک کاربرد و معنا دارد (مانند تجربه و تجربت) اما گاهی این دو نشانه در فارسی کاربرد معنایی متفاوت می‌یابد (ارادت = دوستی، اراده: تصمیم)

واژه‌هایی مثل سن، حد، حق، مند و ... در صورتی که مشدد خوانده شوند (با حرکت تلفظ شوند) تشدید می‌گیرند.